

Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volume 15, Consecutive Number 31, Summer 2023
Issn:2717-0330

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Ways to compensate for the loss of privacy in the laws of Iran and Canada

Rafiee.Ali¹ - Abbasloo.Bakhtiyar^{2*} - Amini.Esa³

1: Ph.D. student, Private Law Department, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2: Assistant professor, Private Law Department, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran: (Corresponding author) (abaslob@yahoo.com)

3: Assistant professor, Private Law Department, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

In the laws of Iran and Canada, any assault on the body, property, communications with their types and types, information and secrets, dignity and reputation, privacy and privacy, opinions and thoughts, writing, by natural and legal persons is prohibited and violation of privacy. It is considered private. In Iranian laws, cases of privacy violations are widely criminalized and both disciplinary and criminal punishments are considered for it; Also, the victim is entitled to compensation due to civil liability. The methods of compensation for the violation of privacy in Iranian law have been widely seen; Although it is mostly aimed at compensating the material damage of individuals. In any case, methods including compensation for material and moral damage, restoration of dignity, the obligation to apologize as compensation for the loss of privacy are foreseen. In the Canadian legal system, compensations such as compensation, ransom, apology and other cases of compensation are available without being formulated in specific laws and limited to specific criteria, with the opinion of the hearing authority. For example, the Human Rights Court or any of the normal courts can consider the best and most complete compensation for the victim depending on the specific case and conditions of each case. In this article, we analyze the methods of compensation for the loss of privacy in Iranian and Canadian laws using a descriptive analytical method.

Keywords: civil responsibility, privacy, compensation, Iran, Canada.

- A. Rafiee, B. Abbasloo, E. Amini (2023). Ways to compensate for the loss of privacy in the laws of Iran and Canada, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(31), 239-266.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.30054.3545](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.30054.3545)



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵ - شماره ۳۱ - تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۲۳۹-۲۶۶ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ - پذیرش ۱۴۰۲/۰۱/۳۰

شیوه های جبران ضرر در نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و کانادا

علی رفیعی^۱ / بختیار عباسلو^{۲*} / عیسی امینی^۳

۱: دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲: استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)
abaslob@yahoo.com

۳: استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

در حقوق ایران و کانادا هرگونه تعرض به جسم، مال، ارتباطات با اقسام و انواع آنها، اطلاعات و اسرار، حیثیت و آبرو، حریم خلوت و منزل، عقاید و آراء و افکار، نوشتار، توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع و نقض حریم خصوصی محسوب می شود. در حقوق ایران موارد نقض حریم خصوصی به صورت گسترده ای جرم انگاری شده و مجازات هایی اعم از انتظامی و کیفری برای آن در نظر گرفته شده است؛ همچنین زیان دیده از باب مسئولیت مدنی، مستحق جبران خسارت است. شیوه های جبران ضرر در نقض حریم خصوصی در حقوق ایران به شکل گسترده دیده شده است؛ هرچند بیشتر معطوف به جبران خسارت مادی اشخاص است. در هر صورت، شیوه هایی شامل جبران خسارت مادی و معنوی، اعاده حیثیت، الزام به عذر خواهی به عنوان جبران ضرر نقض حریم خصوصی پیش بینی شده است. در نظام حقوقی کانادا جبران هایی مانند غرامت، تاوان، عذر خواهی و دیگر موارد جبران خسارت بدون آن که در قوانین خاصی تدوین و محدود به ضوابط خاصی شده باشند با نظر مرجع رسیدگی کننده، قابل دسترسی هستند. این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی به بررسی شیوه های جبران ضرر در نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و کانادا می پردازد.

کلیدواژه: مسئولیت مدنی، حریم خصوصی، جبران ضرر، حقوق ایران، حقوق کانادا.

- رفیعی، علی؛ عباسلو، بختیار؛ امینی، عیسی (۱۴۰۲). شیوه های جبران ضرر در نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و کانادا. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۱، صفحات ۲۳۹-۲۶۶.

Doi: [10.22075/feqh.2023.30054.3545](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.30054.3545)

مقدمه

امروزه در سیستم های حقوقی مختلف، نقض حریم خصوصی به عنوان اقدامی توهین آمیز نسبت به شرافت بشری قلمداد شده و به موجب نقض آن، ضمانت اجراهای متفاوتی از جمله جبران خسارات در نظر گرفته شده است. حریم خصوصی، گستره‌ای از عقاید، اعمال، رفتارها، ویژگی‌ها و مختصات هر شخصی است که برای عموم مردم آشکار نیست و وی به افشای آن رضایت ندارد و به ورود و نظارت دیگران عکس العمل نشان می‌دهد (نقیبی، ۱۳۸۹: ۶-۷). با جمع شدن ارکان مسئولیت، یعنی ضرر و تقصیر و رابطه سببیت بین آنها، زیان‌دیده می‌تواند جبران ضرر و خسارات وارده به خود را از دادگاه بخواهد. خسارت در لغت به معنای ضرر است و هرگونه آسیب و زیان وارده بر شخص را شامل می‌شود (معین، ۱۳۷۱: ۳۰۲۱/۲). در اصطلاح علم حقوق، خسارت عبارت از هر نوع ضرر و زیانی که موجب از بین رفتن حق فرد - اعم از مادی یا معنوی - می‌باشد یا به هرگونه کاهش در کمیّت یا کیفیّت مال زیان‌دیده، خسارت گفته می‌شود (ر.ک: صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). حقوق‌دانان ضرر را بر حسب متعلق آن بر سه نوع ضرر مالی، بدنی و معنوی تقسیم می‌کنند (مرادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۱۴).

خسارت از نظر نوع، به دو دسته خسارت معنوی و خسارت مادی تقسیم می‌شود و منظور از ورود خسارت مادی، ورود ضرری است که بر اثر عملی، اموالی از بین رفته یا ارزش آن کاهش یابد مانند شکستن شیشه؛ اما خسارات معنوی برخلاف خسارت مادی که به صورت فیزیکی و عینی است هیچگونه آثاری در ظاهر امر وجود نخواهد داشت و خسارات وارده یا بر مالکیت معنوی اشخاص وارد گردیده است، مانند صدمه رساندن به شهرت یا برند شرکتی و یا از بین بردن منفعت یا حق مشروع اشخاص. به عبارت دیگر، خسارت معنوی را می‌توان اینگونه بیان نمود که ورود هرگونه صدمه و زیان از باب هتک حرمت و حیثیت که به صورت غیر قانونی بوده و یا لطمه وارد کردن به اعتبار اشخاص و یا ورود ضررهای روحی که نتیجه آن ورود ضررهای عاطفی است، مانند ضرری که به شهرت و حیثیت شخصی با افشای اسرار بدنی بیمار وارد می‌شود و یا

آثاری که با یک جراحی پلاستیک ناموفق بر صورت بیمار و تأثیری که بر وضعیت روحی و روانی او در آینده دارد. هدف اصلی و طبیعی شیوه‌های جبران، دفع یا رفع زیان وارده می‌باشد و این هدف به منظور تأمین عدالت دنبال می‌شود. گرچه هدف شیوه‌های جبران در دعوی ناشی از نقض قرارداد، با هدف این شیوه در مسئولیت مدنی یکسان است اما تفاوت‌هایی میان راه‌های وصول به هدف واحد در این نوع مسئولیت وجود دارد. در مسئولیت‌های قراردادی بیشترین تلاش دادرس این است که اگر قرارداد همانگونه که تنظیم شده بود، اجرا می‌شد چه آثار و منافعی را عاید خواهان کرده بود. بر این اساس، دادرس سعی می‌کند تا خواهان را در آن وضعیتی قرار دهد که در فرض اجرای درست قرارداد، باید قرار می‌داشت. لیکن نگاه مسئولیت مدنی به هنگام جبران زیان، به گذشته است. به سخن دیگر، دادرس به وضعیت پیش از ورود ضرر می‌نگرد و از خود می‌پرسد چنان چه حادثه زیانبار به وقوع نمی‌پیوست، وضع چگونه بود؟ برای مثال، دادرس به این می‌اندیشد که اگر پزشک یا وکیل، اسرار بیمار یا موکل خود را فاش نکرده بود آنها چه وضعیتی داشتند و به تعبیر دیگر، اگر حریم خصوصی خواهان توسط خواننده نقض نمی‌شد وضعیت چگونه بود؟

در کشور کانادا با پیروی از سیستم حقوق عرفی و توجه ویژه به حقوق بشر و عرف‌های حقوق بین‌الملل، مقوله حریم خصوصی و پاسخ قانونگذار به نقض حریم خصوصی در اکثر مصادیق نقض حریم خصوصی، متفاوت با کشور ایران بوده و اساس پاسخگویی به این نیاز اکثراً براساس مقوله ای به نام (تورت) که معادل فارسی آن چیزی بین شبه جرم و مسئولیت مدنی نامیده می‌شود، قرار دارد. در این مقاله ابتدا به بررسی جبران خسارت معنوی در فقه، سپس به تقسیم خسارات به معنوی و مادی پرداخته شده و سپس این خسارات در قالب جبران توسط شخص حقیقی یا حقوقی بررسی می‌شود. خسارت معنوی برخلاف خسارت مادی، در گذشته مورد قبول محاکم و مراجع قضایی نبوده است و اغلب بر این باور بودند که خسارت معنوی غیر قابل جبران است و پرداخت غرامت در ازای خسارت معنوی، به معنای زیر پا گذاشتن شخصیت انسان می‌باشد اما با

گذشت زمان این تصور منسوخ شد و قانونگذاران کشورهای مختلف به مرور زمان این نوع خسارت را مورد پذیرش قراردادند.

۱- شیوه‌های جبران ضرر در نقض حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران

۱-۱- جبران خسارت معنوی در فقه

دین اسلام، تجاوز به امور معنوی را حرام شمرده است. اهانت، تحقیر و سبک شمردن اشخاص به حکم عقل، آیات، روایات و اجماع، ممنوع و حرام است (مراغی، ۱۴۱۷: ۵۵۶/۱). در قرآن کریم آیات فراوانی به مذمت و نهی از کوچک شمردن دیگران، تمسخر، توهین و غیبت، به کار بردن القاب زشت، تهمت و افترا و ... پرداخته است (همزه: ۱؛ حجرات: ۱۱؛ نور: ۱۵). پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز بر حرمت تعدی به حقوق شخصیت و صدمه به اعتبار و حقوق معنوی افراد به اشکال گوناگون تأکید ورزیده‌اند (حرّ عاملی، ۱۳۸۸: ۶۱۰/۸ و ۶۰۸).

آن چه از مجموع آیات و روایات به وضوح استنباط می‌شود این است که شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی افراد دارای احترام ویژه‌ای است که باید از سوی دیگران محترم شمرده شود و همان طور که گفته شد حکم شرعی در خصوص ایراد خسارت معنوی، حرمت است؛ پس بر اساس حکم شرع و عقل، حکم تکلیفی حرمت بر اعمال موجب خسارت معنوی، ثابت می‌باشد. بر این اساس، تا وقتی که آثار زیان معنوی از زیان‌دیده زدوده نشود اثر حرمت باقی است و برای از بین بردن پایداری و ادامه زیان، باید زیان معنوی جبران شود و ضرورت جبران خسارت معنوی ثابت است؛ از اینرو در فقه به همان اندازه که جسم و جان اشخاص، مورد حمایت قرار گرفته است حقوق معنوی نیز مورد حمایت قانونگذار واقع شده است. اگرچه بعضی اظهار داشته‌اند که در کلمات فقها چیزی که دلالت بر ردّ یا قبول ضمان ضرر معنوی نماید به چشم نمی‌خورد، اما به نظر می‌رسد که در خصوص جایگاه خسارت معنوی و مضمون بودن آن از دید فقهی باید ملاحظات زیر را مدنظر قرار داد:

الف: درست است که ضرر معنوی جایگاه شفاف‌تری در مآخذ فقهی ندارد، لکن نفی هم نشده است. به طوری که فقیهان شورای نگهبان قانون، درباره تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات اظهار داشته‌اند: «طرح دعوی خسارت معنوی، مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی آن است؛ اما تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی، مغایر موازین شرعی است. البته رفع هتک و توهینی که به شخص شده به طریق متناسب به آن در صورت مطالبه ذیحق لازم است» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۷).

ب: امام خمینی (ره)، عرف را در هر جا و در هر عصر و زمان معتبر می‌شناسد. به نظر ایشان، عرف در هر زمان و مکان تحقق پیدا کند و ردع و منعی از آن نشده باشد حجت است. پس وقتی شارع آن را ردع نفرموده و از آن جلوگیری نکرده است به دست می‌آوریم که عمل به عرف عقلاً مورد رضایت و اجازه شارع است (فیض، ۱۳۸۴: ۱۴۴ و ۱۴۶). بر این اساس، مفهوم ضرر نیز امری است که در خصوص آن عرف نظر می‌دهد. اکنون نیز عرف، خسارت معنوی را داخل در مفهوم ضرر می‌داند. بنابراین ضرر، «عرفاً عبارت از نقصی است که بر مال، آبرو و نفس انسان پدیدار می‌شود» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰: ۱۷۸/۱؛ نائینی، ۱۳۷۳: ۱۹۹/۲).

ج: شأن نزول حدیث لاضرر، که از مشهورترین احادیث بین فرق مختلف مسلمین است، در مقام نفی ضرر معنوی است. پیامبر (ص) شخصاً عهده دار امر قضا بودند و هر موردی را که در جامعه آن روز نیاز به رسیدگی قضایی داشت نزد آن حضرت می‌بردند؛ ایشان نیز طبق موازین شرع شخصاً حکم می‌دادند. نمونه‌هایی از دادرسی پیامبر اکرم (ص) نقل شده که از آن جمله عبارتند از: احوال شخصیه، ادعای حق شفعه، دعوی مالکیت کالا، دعوی مربوط به دین، مسائل کیفری، حدود و قصاص، دعوی رفع مزاحمت و تأسیس قاعده لاضرر در قضیه سمره بن جندب (ساکت، ۱۳۶۵: ۶۲).

ممکن است این گونه تصور شود که براساس قاعده تسلیط، سمره، حق ورود به ملک خود را بدون اذن و اعلام داشته است، اما باید اظهار داشت که طبق نظر برخی فقها «دلیل سلطنت، محکوم به دلیل لاضرر است؛ زیرا قاعده لاضرر دلیلی ثانوی و قاعده سلطنت

از ادله اولیه است و روشن است که ادله ثانویه همیشه حاکم بر ادله اولیه می‌باشند. همچنین در این که قاعده سلطنت می‌تواند مجوز ضرر به دیگری شود، به سلطنت مرد انصاری استناد شده که موجب ضرر به سمره و کنده شدن درختش شده است که در جواب آن می‌توان گفت که در واقع از ناحیه مرد انصاری، هیچ ضرری متوجه سمره نشده است و این ضرر را خود سمره با اصرار بر اضرار انصاری ایجاد کرده است (حسینی شیرازی، ۱۹۸۸: ۱۲۵). پس تصرف مالک، محدود به تصرفات متعارف و عقلایی است و فراتر از این حد، ناروا و غیر مجاز به حساب آمده است. حال اگر شارع این حکم را امضا نکند، با وضع نکردن حکم و الزام وی به پرداخت خسارت، ضرر دیگری را باعث می‌شود که قاعده لاضرر آن را نفی می‌کند. بنابراین قاعده لاضرر، با تدارک و جبران ضرر، جلوی ضررهایی که در آینده ممکن است پیش آید را نیز می‌گیرد (حکمت نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۱). از فقهای معاصر که عقیده دارند قاعده لاضرر دلالت بر اثبات حکم می‌کند، آیه الله مکارم شیرازی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۲/۱ و ۱۲۱). بر این اساس، می‌توان اظهار داشت که در سوابق فقه اسلامی، ضرر معنوی مورد توجه قرار گرفته و در مورد شیوه جبران آن نیز مصداقی در سنت عملی رسول الله (ص) وجود دارد؛ به طوری که از زمخشری نقل شده که پیامبر (ص)، علی (ع) را فرستاد تا دبه قومی را که مورد تعرض خالد بن ولید قرار گرفته بودند بپردازد. علی (ع) حتی عوض ترسی را که در اثر هجوم اسب‌ها بر زنان و کودکان عارض شده بود، پرداخت. این عملکرد در واقع، جبران مالی ضرر معنوی است (زمخشری، ۱۳۶۴: ۱۸۲/۳).

بنابراین اگر شارع مقدس وارد آوردن ضرر جانی و مالی بر دیگری را اجازه دهد، دعوی نفی ضرر صحیح نخواهد بود؛ چنان که اگر احکام ضرریه تشریح نماید نیز چنین است. همین طور اگر حکم به جبران خسارت جانی، مانند قتل، جرح و ضرر مالی ننماید باز هم این ادعا (ادعای نفی ضرر) صحیح نخواهد بود. در نتیجه، مصحح این ادعا همانا بستن راه جمیع اقسام ضرر است. پس، از این قاعده در قصاص، دیات و ضمانات استفاده شده و می‌توان به طور کلی گفت اطلاق ادعای نفی ضرر، شامل تمام آن چه مذکور

افتاد می‌گردد (خمینی، ۱۴۱۵: ۲۷۱/۴). وقتی از عملی نهی می‌شود دالّ بر این است که بقای آن عمل حرام است و باید منبع آن رفع شود، به عبارت دیگر، رفع ضرر واجب است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰: ۱۸۳/۱). شیخ انصاری نیز با این که مفاد قاعده لاضرر را نفی حکم ضرری می‌داند، ولی در نهایت اظهار می‌دارد که حکم عدمی، مستلزم احکام وجودی است. به عبارت دیگر، حکم به عدم ضمان، مستلزم ورود ضرر بر زیان‌دیده است و روشن است که با توجه به عامّ بودن حدیث و قاعده لاضرر، باید حکم به ضمان کرد (نقیبی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

د: عده‌ای از فقهای متأخر از جمله صاحب عناوین نیز ضرر معنوی را پذیرفته اند؛ وی مرقوم می‌دارد: «... اما در خصوص آبرو، ضابطه آن هر چیزی است که جزو احترام مکلف می‌باشد و هتک آن موجب خواری و شکسته شدن احترام او بین مردم است؛ از اینرو چنان چه فردی به همسر او تعدی کند یا ... بر خانواده، محارم و زنان متعلّق به او ضرری وارد گردد، یا به غیبت کردن از او، تهمت و طعنه زدن یا فاش نمودن چیزی که راضی به آشکار شدن آن نیست اقدام کند همه این موارد، هتک آبرو و عرض است و در حقیقت، اضرار به غیر می‌باشد و این ادعا که ضرر فقط به مال و بدن انصراف داشته و شامل این موارد نمی‌شود، صحیح نیست و نظیر این امور ضرر محسوب می‌شود» (مراغی، ۱۴۱۷: ۳۰۹/۱).

ه: همه عرف‌های عقلایی و سنت‌های ضروری که در جوامع بشری پدید آمده یا از این به بعد نیز پدید خواهد آمد و مانند عرف تقلید از عالم هستند از قبیل انواع مبادلات و معاملات از بیع معاطات گرفته تا سایر بیع‌های رایج و انواع اجاره و ... و خلاصه هر مسأله حقوقی و غیر حقوقی که در دنیای متمدن تحقق یافته، دوام پیدا کرده و نیاز بشری در آن به‌طور محسوس دیده می‌شود و حتی اگر جلوی یکی از آنها گرفته شود چالش و اختلالی بزرگ در جامعه عقلا پدید می‌آید و نیز مانند انواع معاملات بیمه و سرقفلی و غیره، عرف عقلا محسوب می‌شود و بسیار گسترده است. طبق نظر امام خمینی (ره) می‌توان گفت که همه این عرف‌های عقلایی اگر مورد رضایت و امضای شارع نبود

باید پیامبر و ائمه (ص) در زمان حیات و حضور خود از آنها جلوگیری می‌کردند و ما معتقدیم که این قدرت را داشتند که در زمان خود این کار را انجام دهند و چون اثری از منع و ردع آنان در هیچ جایی و سخنی در هیچ کتابی وجود ندارد همه آنها را جایز و صحیح و امضا شده می‌شناسیم (فیض، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

همان طور که اشاره شد، ضرر معنوی در فقه اسلامی پذیرفته شده است؛ اما در رابطه با روش های جبران ضرر معنوی در فقه باید گفت که گاه در فقه اسلامی، بعضی اعمال نظیر قذف یا تهمت که موجب خدشه و لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص می‌شود دارای عواقب کیفی یا اخروی است. بدیهی است که این ضمانت اجراها، اگر چه می‌تواند دلالت بر توجه دین اسلام بر ضرر معنوی نماید لکن روش جبران خسارت در معنای خاص خود و به مفهوم رایج در حقوق خصوصی، تلقی نمی‌شوند. چون نباید فراموش کرد که ضرر معنوی منحصر به مصادیق مزبور نیست و موارد دیگری نظیر لطمه به موقعیت اجتماعی، حرفه و معتقدات مذهبی اشخاص یا لطمه به زیبایی صورت و جمال افراد یا خسارت معنوی ناشی از فوت نزدیکان شخص نیز از جمله مصادیق ضرر معنوی محسوب می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت اگر چه در فقه اسلامی نیز روش شناخته شده ای برای جبران ضررهای معنوی وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که روش های متداول در حقوق عرفی و موضوعه، اعم از جبران های مالی و غیر مالی می‌تواند در فقه قابل پذیرش باشد، زیرا روش های جبران خسارت، اموری نسبی و برآیندی از اندیشه های حقوقی و اجتماعی در هر عصر هستند. آن چه که اهمیت دارد جبران خسارت وارده بر زیان دیده است. بر این اساس است که ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه به اختیار دادگاه گذارده و دست قاضی را در انتخاب روش مناسب، باز گذاشته است. پس، راه های جبران خسارت معنوی را نمی‌توان حصری دانست؛ زیرا در خسارت، مهم جبران است و راه جبران، طریقه است. نه موضوعیت؛ در موردی ممکن است فقط پول گرهگشا باشد و در مورد دیگر، یک عذرخواهی ساده (پروین، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

بدین ترتیب آن چه که تحت عنوان روش‌های جبران خسارت معنوی در نظام‌های حقوقی فعلی و از جمله ایران متداول است برگرفته از آخرین تحولات فکری و حقوقی در این زمینه می‌باشد. به ویژه این که از سوی شارع مقدس درباره جبران خسارت‌های معنوی، ردع و منعی وجود ندارد و احکام شرعی در باب جبران ضررهای معنوی مؤید این است که هدف شارع، جبران خسارت وارده بر زیان‌دیده است و روش جبران، فرع بر مقدورات نیل به آن هدف می‌باشد.

از اینرو، همان‌طور که ذکر گردید در جایی که ردّ عین مال ممکن است، جبران عینی مقدم بر همه چیز است و در غیر این صورت، پرداخت مثل یا قیمت مطرح می‌گردد. مانند موردی که در مقابل ترس زنان و کودکان قبیله بنی خزیمه، از سوی امیرالمؤمنین (ع)، مقداری مال پرداخت شد که این صرف جبران خسارت معنوی به طریق مالی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۴۰).

۲-۱- انواع شیوه‌های جبران ضرر اشخاص حقیقی در حقوق ایران

جبران زیان، یعنی بازگرداندن ارزش از بین رفته به حیثیت، اعتبار و دارایی خسارت‌دیده. همواره برای تحقق جبران خسارت، اصولی نیز باید رعایت شود که در اینباره در زیر به آنها می‌پردازیم. همچنین در این قسمت، بحث ما در خصوص شیوه‌های جبران خسارت وارد به اشخاص حقیقی است. کلیه شیوه‌های جبران را در دو دسته شیوه‌های مادی و معنوی تقسیم بندی کرده، و قابلیت استفاده از آنها را در زیان‌های ناشی از نقض حریم خصوصی، بررسی می‌کنیم.

۱-۲-۱- شیوه‌های جبران مادی

در نظام حقوقی کامن‌لاز جمله در حقوق کانادا، پرداخت خسارت ناشی از نقض حریم خصوصی ممکن است به عنوان «خسارات ترمیمی» باشد. یعنی خسارات واقعی که خواهان متحمل شده است به وی پرداخت شود، یا این که به عنوان «خسارات تنبیهی» باشد. معمولاً ترتیب جبران خسارت ناشی از نقض حریم خصوصی، در حقوق کشور کانادا با پرداخت پول صورت می‌گیرد (ریاحی، ۲۰۱۹: ۸).

در حقوق ایران، ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به دادگاه اجازه داده است که برحسب اوضاع و احوال، میزان زیان و طریقه جبران آن را تعیین نماید. با این که در حقوق ایران به لزوم جبران زیان های معنوی در قوانین مختلفی تصریح شده است و به خصوص مواد ۲ و ۳ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی در این خصوص مطالبی را بیان کرده اند اما رویه قضایی هنوز در تقویم و خسارات معنوی به پول، به نتیجه روشنی نرسیده است. گویا این که دادگاه اجازه دارد عامل خسارت معنوی را به جبران خسارت زیان دیده محکوم نماید؛ یعنی دادگاه حکم صادر کند که فاعل فعل زیانبار، مبلغ معینی پول را به طور نقد و یا به صورت اقساط برای جبران خسارت به زیان دیدهپردازد و یا مالی را اعم از عین یا منفعت، به او بدهد و یا کاری را اعم از حقوقی یا مادی برای او انجام دهد (آماده، ۱۳۹۲: ۳۶) در هر حال به نظر می رسد شیوه جبران خسارت به صورت مادی، یکی از بهترین شیوه ها برای ناقضین حریم خصوصی باشد، زیرا عامل فعل زیانبار با پرداخت پول به زیان دیده، هم وسیله التیام روحی و روانی زیان دیده را فراهم نموده و هم با پرداخت پول، ضرری را به خود تحمیل می نماید و این موضوع باعث تنبیه وی می شود. اصولاً پرداخت غرامات سنگین، اثرش به مراتب بیشتر از تنبیهات بدنی است.

۲-۱- شیوه های جبران معنوی

در مواردی از نقض حریم خصوصی که نمی توان برای خسارت وارده به زیان دیده، شیوه جبران مادی را عملی کرد و یا این که شیوه جبران مادی، برای فعل عامل زیان کفایت نکند می توان از شیوه های غیر مادی استفاده نمود. این شیوه ها برخلاف شیوه های مادی، از تنوع برخوردار می باشند و دادگاه می تواند حسب مورد از آنها استفاده کند و یا با تلفیق این شیوه ها با شیوه های مادی، خسارات وارده بر زیان دیده را جبران نماید. شیوه های معنوی اصولاً به طرق ذیل می باشند:

- ۱- جمع آوری اثر زیانبار و جلوگیری از نشر و پخش عرضه آن، ۲- اعاده وضع به حالت سابق، ۳- الزام به عذرخواهی، ۴- توسل به قوای قضایی و خسارت تنبیهی و

کیفری، ۵- درج حکم محکومیت خواننده در مطبوعات، ۶- خسارت اسمی یا نمادین یا سمبلیک، ۷- پاسخگویی، ۸- اعاده حیثیت

در مواردی که حریم خصوصی اشخاص اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی مورد تجاوز قرار گیرد و اثر زیانبار به صورت کتاب، روزنامه، مجله، فیلم، نوار، سی دی، شب نامه، جزوه و نظایر آن باشد یکی از روش‌های جبران زیان، جمع‌آوری آثار مذکور است؛ البته با عنایت به پیشرفت فناوری، جمع‌آوری کامل آثار زیانبار یادشده دور از انتظار است.

ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مادی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر، از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.» قسمت اخیر این ماده، ناظر به اعاده وضع به حالت پیش از وقوع ضرر و زیان موجود از طریق الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و هر وسیله دیگری می‌باشد که منبع زیان را از بین می‌برد. به هر حال، اصل اعاده وضع به حالت پیش از وقوع ضرر، یک اصل بسیار کلیدی است ولی در عمل و در بسیاری از موارد نقض حریم خصوصی، قابلیت اجرا ندارد؛ زیرا در عمل، کم اتفاق می‌افتد که یک خسارت ناشی از نقض حریم خصوصی به نمونه‌ای جبران شود که شخص دقیقاً در شرایط قبل از ورود آن قرار گیرد (جعفری و رهبرپور، ۱۳۹۶: ۶۳).

از طرفی، قانونگذار برای جلوگیری از نقض حریم خصوصی اشخاص و شرح پیش‌گفته، تشبیهات مختلفی برای متخلفین در نظر گرفته است. این تشبیهات در قانون مجازات اسلامی و قوانین دیگر به تصویب قانونگذاران رسیده است. مواد ۱۶۴ تا ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی راجع به حدّ کذف و مواد مربوط به قصاص و مواد ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۶۹، ۵۸۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷ و ۶۹۸ تلویحاً به مجازات نقض

کنندگان حقوق مردم پیرامون حریم خصوصی آنان - اعم از حریم خصوصی جسمانی و حریم خصوصی خلوت و منزل و حریم خصوصی ارتباطات و اطلاعات - اشاره دارد. مواد ۲۴ و ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، ضمانت اجرایی حبس را برای متجاوزین به حقوق مورد حمایت آن قانون پیش‌بینی کرده است. همچنین قوانینی چون قانون ثبت علائم و اختراعات و طرح‌های صنعتی، قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند و قوانین دیگر، مجازات ناقضین حریم خصوصی اشخاص را اعلام نموده است. با این اوصاف، توسل به قوای قضایی جهت به کیفر رساندن و تنبیه کسی که به حریم خصوصی افراد تجاوز کرده، یکی دیگر از شیوه‌های جبران غیر مادی جبران ضرر می‌باشد که به صورت غیر مستقیم، آلام و رنج‌هایی که شاکی متحمل شده را ممکن است التیام بخشد (پرستش و موسی زاده، ۱۳۹۴: ۹۶). درج حکم محکومیت خواننده در نشریات، یکی دیگر از شیوه‌های جبران غیر مادی ضرر می‌باشد. هنگامی که ادعای موهن و کذب علیه شخصی انتشار می‌یابد و به حریم خصوصی آن شخص تعرض می‌شود صرف‌نظر از مطالبه خسارات مادی، خسارت دیده می‌تواند ضمن صدور حکم محکومیت خواننده، انتشار حکم مذکور در رسانه‌های همگانی و جراید و روزنامه‌ها را از دادگاه درخواست کند. این امر می‌تواند موجبات رضایت خاطر وی را فراهم آورد (تقوی فرد و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۳).

در کشورهایی چون فرانسه، آمریکا و انگلستان، هرگاه در اثر نقض یک قرارداد یا تکلیف قانونی، حق قانونی فردی مورد تجاوز قرار گرفته و یا به حریم خصوصی کسی تجاوز شده، ولی موجب ضرر قطعی و مشخصی نشده باشد، و یا میزان و مقدار خسارت قابل توجه نبوده و یا چنین ضرری قابل اثبات نباشد، به منظور اعلام محکومیت طرف مقابل و اعلام نقض حق و تجاوز به حریم خصوصی و قانونی خواهان، دادگاه خواننده را به مبلغی خسارت که به لحاظ مادی، ارزش درخور توجهی ندارد به نفع خواهان محکوم می‌کند. به طور معمول، این خسارت به میزان یک واحد پولی کشور مثل دلار،

فرانک، پوند یا لیر تعیین می شود که نشان دهنده آن است که صرف محکومیت خواننده، برای خواهان ارزش دارد و خواهان هیچگونه انگیزه و انتظار سودجویی و بهره برداری مادی ندارد (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۳۲۱-۳۲۲). در قوانین کشور ایران چنین مواردی دیده نمی شود ولی از توجه به قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی که اشعار می دارد «هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مادی، حکم رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید» می توان نتیجه گرفت که قانونگذار، طرق رفع زیان را در اختیار قاضی قرار داده است و در مواردی که دادگاه تشخیص دهد می تواند از این طریق استفاده نماید. یکی از طرق رفع زیان می تواند صدور حکم به خسارت اسمی یا سمبلیک باشد و اگر دادگاه چنین حکمی را صادر نماید، منافاتی با قوانین نخواهد داشت.

حقوقدانان، اعاده حیثیت را به دو بخش تقسیم می نمایند: یکی اعاده حیثیت قانونی و دیگری اعاده حیثیت قضایی. اگر در متون قانونی، موضوع اعاده حیثیت پیش بینی شود آن را اعاده حیثیت قانونی و اگر دادگاه، حکم اعاده به اعاده حیثیت شخصی صادر کند، اینگونه اعاده حیثیت را قضایی می گویند. اعاده حیثیت می تواند به عنوان یکی از شیوه های جبران خسارت در هنگام نقض حریم خصوصی اشخاص مورد استفاده قرار گیرد. اعاده حیثیت، کم ترین توقعی است که زیان دیده می تواند از دستگاه قضایی جامعه خود داشته باشد. کسی که در اثر ورود به حریم خصوصی دیگران باعث هتک آبرو و حیثیت آنها شده و یا مأموری که با ورود غیر قانونی و خلوت افراد به علنی کردن آن باعث تحقیر آنان می شود صرفنظر از این که اگر ضرر مادی به آنان وارد شود می بایست توسط متجاوز یا متجاوزین پرداخت شود، دادگاه می تواند حکم به اعاده حیثیت متزلزل صادر نماید (سلیمی، ۱۴۰۰: ۷۵).

از نظر نگارندگان، در صورتی که خسارت دیده موضوع را از جنبه حقوقی پیگیری نماید می‌تواند از دادگاه درخواست کند تا از وی اعاده حیثیت شود و دادگاه در صورت اثبات تقصیر خوانده می‌تواند در این خصوص انشاء رأی نماید.

۳-۱- شیوه‌های جبران ضرر نقض حریم خصوصی اشخاص حقوقی

خسارات و زیان‌های وارده بر اشخاص حقوقی نیز قابل جبران است، زیرا این قبیل اشخاص، دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و صلاحیت دارا شدن حق و تکلیف و اجرای آن را از طریق نمایندگی قانونی خود دارند. اشخاص حقوقی، به قدرت تصور و اعتبار در عالم حقوق خلق شده‌اند، زیرا دارا شدن حق و تکلیف، لازمه وجود طبیعی انسان است. اشخاص حقوقی، موجودات طبیعی نیستند. بعضی حقوقدانان برآنند که شخص حقوقی، یک موجود حقوقی می‌باشد و قانون از نظر منافع جامعه، وجود آن را شناخته است و اجازه می‌دهد که بتواند دارایی مخصوص داشته باشد و از منافع اختصاصی خود دفاع نماید و مانند اشخاص طبیعی دارای وجود حقوقی جداگانه باشد؛ از اینرو، هر شخص حقوقی دارای اراده مخصوص به خود می‌باشد که مجزاً از اراده افراد آن است و همچنین دارای یک فعالیت حقوقی خاص است که غیر از فعالیت افراد آن می‌باشد (امامی، ۱۳۷۱: ۲۵۸).

۳-۱-۱- شیوه‌های جبران مادی ضرر

اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی که شامل دولت‌ها اعم از داخلی و خارجی و مؤسسات عمومی می‌شوند، هنگامی که حریم خصوصی آنها توسط دیگران اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی نقض شود مطابق قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی، می‌توانند علیه ناقضین حریم خصوصی طرح دعوی کنند و خسارت وارد آمده را به صورت (مال) مطالبه نمایند. برای مثال، اگر کارمندی وجوه و یا اموال متعلق به دولت که بر حسب وظیفه به وی سپرده شده است را به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید به عنوان مختلس، تحت تعقیب جزایی قرار می‌گیرد و دادستان علیه وی کیفرخواست صادر کرده و دادگاه علاوه بر تعیین مجازات، وی را به رد وجه یا مال مورد اختلاس

محکوم خواهد کرد. در این مثال، قانونگذار ایرانی در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵ آذر ۱۳۶۷، جبران خسارت مادی زیان‌دیده را در ضمن حکم جزایی پیش‌بینی کرده است.

اشخاص حقوقی موضوع حقوق خصوصی مانند شرکت‌های تجاری و یا مؤسسات غیر تجاری نیز در صورتی که به حریم خصوصی آنها خللی وارد آید و ارکان مسئولیت مدنی وجود داشته باشد می‌توانند خسارت و زیان‌های مادی وارده را مطالبه کنند. برای مثال، اگر اطلاعات مربوط به پروژه یک شرکت تجاری توسط یکی از کارمندان شرکت و شخص دیگری خارج از شرکت، با نفوذ به سیستم کامپیوتری آن افشا شود و از این بابت، شرکت دچار خسران گردد شرکت می‌تواند در صورت وجود ارکان مسئولیت، علیه افشاکنندگان اطلاعات مذکور، اقامه دعوی نماید و خسارت مادی خود را دریافت کند (جعفرزاده و امین‌کلپیر، ۱۳۹۹: ۹۸).

۲-۳-۱- شیوه‌های جبران غیرمادی ضرر

شیوه‌های جبران معنوی ضرر در خصوص نقض حریم خصوصی اشخاص حقوقی موضوع حقوق خصوصی چندان تفاوتی با شیوه‌های جبران معنوی ضرر در اشخاص حقیقی ندارد و در بسیاری از موارد با یکدیگر مشابه هستند و چون در قسمت اول این مقاله به آنها اشاره شده است در اینجا از تکرار مجدد آن خودداری می‌شود.

اما متداول‌ترین شیوه جبران خسارت غیر مادی ضرر بر اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی یعنی دولت (منظور دولت داخلی)، حکم به مجازات عامل خسارت است و در پاره‌ای موارد، انتشار حکم محکومیت خاطی در رسانه‌های عمومی و نشریات می‌باشد. در مورد جبران خسارت‌ها و زیان‌هایی که به طور مستقیم از سوی یک دولت بر دولت دیگر وارد می‌شود شیوه‌هایی چون معذرت‌خواهی کتبی یا شفاهی، اظهار تأسف، احترام به پرچم و علائم رسمی دولت خسارت‌دیده، اعزام هیئت فوق‌العاده، تنبیه مرتکب عمل خلاف حقوق و تعهد به این که در آینده نظیر واقعه تکرار نخواهد شد، استفاده می‌شود (بخشایشی بايقوت و حیدری منور، ۱۳۹۶: ۴۹).

۲- شیوه های جبران ضرر در نقض حریم خصوصی در کانادا

نقض حریم خصوصی توسط مقام قضایی، در قانون جزای کانادا (فدرال) دیده می شود. به موجب ماده ۲۵ قانون جزای کانادا، مأمورین و ضابطین قضایی و پلیس در انجام مأموریت مصون هستند ولی بند ۳ آن ماده، انجام وظیفه را منوط به اعمال اصل حسن نیت دانسته و در بند ۴ همان ماده استثناء در مصونیت قائل شده است: در این رابطه، یک نمونه نقض حریم خصوصی توسط ضابط یا پلیس زمانی است که قدرت نمایی کند. پلیس در واقع در حقوق کانادا، پلیس اجازه اعمال زور و قدرت فیزیکی منتج به مرگ یا صدمه جسمانی شدید را ندارد مگر این که آن شخص (مأمور) به این باور باشد که به طور متعارف، اعمال چنین قدرتی برای حفظ خود و یا دیگرانی که تحت حفاظت وی هستند لازم و ضروری است (Allen, 2009: 43).

در ماده ۱۳۹ قانون جزای کانادا نیز در خصوص انحراف روند اجرای عدالت و جاری شدن روال رسیدگی قضایی عنوان شده است که (ج) جرم قابل مجازات و محکوم به حبس برای مدت حداکثر پنج سال؛ یا (د) جرمی که طبق رسیدگی اختصاری، قابلیت مجازات دارد. منظور از «رسیدگی اختصاری»، محاکمه بدون ارجاع به محاکمه در برابر هیأت منصفه یا ژوری است که حق اساسی همه اشخاص در کانادا است. استفاده مکرر از این عبارت در بخش های متعدد قانون جزای کانادا به این معناست که امکان دادرسی اختصاری توسط قاضی بدون جمع آوری و جلسه دادگاه در حضور هیأت منصفه نیز هست و نوعاً یک استثناء در جرائم جنحه (یا جرائم درجه ۲) کانادایی است. موارد جنایی (یا جرائم درجه ۱) الزاماً می بایست در حضور هیأت منصفه محاکمه شود (Rock, 2011: 165).

- یک نمونه نقض حریم خصوصی توسط وکیل، کارشناس، روزنامه، مطبوعات، آمار مطابق با ردیف های ۱ و ۲ آن چه که ممکن است مربوط به اقدام مرتکب در انحراف اجرای عدالت باشد، مشمول عمومیت ماده ۱۳۹ قانون جزای کانادا است (وکیل، کارشناس و اشخاص دخیل در اجرای عدالت).

در خصوص روزنامه، ماده ۲۹۷ قانون جزای کانادا، «روزنامه» را نوعی مجموعه اطلاعات روزمره یا هفته‌نامه یا دوره‌ای می‌داند که برای اطلاعات عموم، تکثیر و منتشر و پخش می‌شود. ماده ۲۹۸ آن قانون به وصف قانونی افترا، نشر اکاذیب، هجو و روش‌های تحقیر و تزلزل جایگاه اجتماعی با علم به کذب و غیر واقعی بودن با هدف تخریب جایگاه اجتماعی آن شخص مورد هدف است و ماده ۳۰۰ آن قانون، چنین اقداماتی را جرم تلقی نموده و قابل مجازات تا ۵ سال حبس می‌داند و یا این که قابل مجازات از طریق رسیدگی اختصاری دانسته است (Goff, 2011: 21).

– نمونه ماده ۶۴۰ قانون تعزیرات – ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای، نشر غیر مجاز اطلاعات شخصی در کانادا مطابق با مواد ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۶ یا ۳۵۴ یا ۴۶۲ قانون جزای کانادا، با در نظر گرفتن مواد ۳ و ۶۸ و ۶۹ قانون حریم خصوصی ۱۹۸۵ و ماده ۱۴ قانون صیانت از اطلاعات شخصی و مدارک الکترونیک اشخاص سال ۲۰۰۰، نشر و سوء استفاده از تصاویر اشخاص قابلیت تفسیر در ابعاد مختلف قانون جزای کانادا دارد که در موارد مختلف ممکن است منجر به محکومیت به حبس تا ۵ سال، و اگر مشمول موارد جرائم سازمان یافته و یا سوء استفاده با نیت‌های مرتکب با بزه‌های دیگر باشد (کلاهبرداری، خیانت در امانت، افترا، غصب نام و عنوان، و ...) می‌تواند تا ۱۰ سال قابل مجازات باشد. البته راهکارهای تعقیب خصوصی در محاکم حقوقی، به موازات تعقیب کیفری نیز همواره مجاز است (Dyer, 1966: 211).

قانون جزای کانادا (فدرال) سوء استفاده از مقام توسط خادم مردم (مأمور رسمی)، ماده ۱۲۲: هر مأمور رسمی که در انجام وظایف رسمی محوله، مرتکب تقلب یا خیانت در امانت یا انجام وظیفه شود، ولو این که چنین تقلب یا خیانت در امانت یا انجام وظیفه مرتبط با یک شخص خصوصی/عادی باشد یا نباشد، مجرم است به: (الف) جرم قابل مجازات و محکوم به حبس برای مدت حداکثر پنج سال؛ یا ب) جرمی که طبق رسیدگی اختصاری قابلیت مجازات دارد (Yim, 1978: 617).

- نمونه مواد ۵۸۰، ۶۹۴، ۶۹۱ و ۶۹۲ قانون تعزیرات - نقض حریم خصوصی منازل و اماکن در قانون جزای کانادا ماده ۷۲ (ورود به عنف یا ورود غیر مجاز به ملک خصوصی دیگران) را با حبس تا دو سال و با رویه محاکمه اختصاری جرم انگاری کرده است، و در این زمینه کشتی یا هواپیمای مال دیگری مستثنی شده و جزای جداگانه دارد و اگر توأم با تهدید یا استفاده از مواد محترقه یا منفجره باشد مطابق ماده ۸۲ می تواند تا حد ۱۴ سال حبس و اگر مواد محترقه یا منفجره سنگین با قدرت تخریب وسیع یا از نوع سلاح شیمیایی، میکروبی یا هسته‌ای باشد تا حبس ابد قابل مجازات است. اگر با استفاده از سلاح گرم باشد تا حد ۵ سال حبس برای اولین ارتکاب و تا ۷ سال برای دومین ارتکاب و تا ۱۴ سال برای ارتکاب مکرر جرم انگاری شده است؛ علاوه بر این، تعقیب مرتکب از طریق راهکارهای حقوقی و دکترین مسئولیت مدنی نیز به موازات جرم انگاری مورد مرتکبه میسر است (Ahluwalia v Ahluwalia, 2022: ONSC) 1303).

مواد ۳۴۳ الی ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی به تفصیل موارد و روش های مختلف ورود به ملک و محل مورد تصرف قانونی اشخاص را جرم انگاری کرده و آن را با مجازات حبس تا ۵ سال قابل تعقیب می داند. ماده ۳۵۴ ورود غیر قانونی به وسیله نقلیه را جرم می داند و اگر با نیت سرقت باشد تا حد ۱۰ سال حبس به علاوه جبران خسارات و جریمه تا ۱۰ هزار دلار کانادا را مقرر کرده است.

- نمونه مواد ۵۸۲، ۶۰۴، ۶۴۸ و ۶۴۱ قانون تعزیرات - نقض حریم خصوصی ارتباطات مواد ۱۸۳ الی ۱۸۶ قانون جزای کانادا، به ویژه ماده ۱۸۴ اختصاصاً نقض حریم خصوصی و دخالت و یا ورود یا استراق سمع یا بهره برداری غیر مجاز از ارتباطات و مخبرات اشخاص را جرم و قابل مجازات تا ۵ سال و قابل دادرسی از طریق محاکمات اختصاری دانسته است. این به بخش های دولتی و حکومتی نیز تسری دارد و هرگونه بهره برداری یا استفاده موردی می بایست بدو و قبل از انجام با کسب اجازه و تأمین دلیل احتمال وقوع جرم نزد قاضی باشد (Deloitte & Touche v Livent Inc.)

(63 SCC: 2017)؛ ضمناً بخش‌های مختلف از جمله ماده ۳ قانون حریم خصوصی ۱۹۸۵ و ماده ۱۴ قانون صیانت از اطلاعات شخصی و مدارک الکترونیک اشخاص سال ۲۰۰۰ می‌تواند تعقیب مرتکب را از طریق راهکارهای حقوقی و دکترین مسئولیت مدنی نیز به موازات جرم انگاری مورد مرتکبه میسر سازد.

- نمونه قانون در حقوق شهروندی و سلب آزادی اصول ۷ و ۸ قانون اساسی کانادا (اصلاحی ۱۹۸۲)، منع کلی مقرر دارد.

ماده ۲۷۹ (گروگانگیری، قاچاق انسان، آدم ربایی، سوء استفاده جنسی یا بهره برداری از شخص مانند بیگاری و کار اجباری یا اعضاء و اندام‌های شخص) را جرم دانسته و با شرایط مختلف مانند ربایش مسلحانه و تهدید، ربایش طفل و اشخاص صغیر را از ۵ الی ۱۴ سال و در موارد تکراری با حبس ابد قابل مجازات دانسته است.

مواد ۲۸۰ و ۲۸۱ منع و نگهداری غیر مجاز اطفال زیر ۱۶ و جداگانه زیر ۱۴ را آدم ربایی و از حداقل ۲ تا ۱۴ سال حبس قابل مجازات می‌داند. در ماده ۲۷۹ نیز اگر از هر شخص (اعم از صغیر یا رشید) بهره برداری غیر قانونی دیگر نماید (قوادی، استفاده در فحشاء، برده داری یا استغال اجباری به کار یا بیگاری) مجازات‌های دیگری هم می‌تواند متوجه مرتکب باشد.

ماده ۲۷۳ ربایش طفل زیر ۱۶ سال به قصد خارج کردن از کانادا را جرم دانسته و تا ۵ سال حبس قابل مجازات می‌داند.

مواد ۵۶ و ۵۷ با موضوعیت غضب و جعل عنوان و اسناد هویتی (از جمله کارت بیمه عمومی، گواهی رانندگی، گواهی ولادت، گواهی فوت، گذرنامه، اسناد اقامتی و مهاجرتی و امثالهم) و سوء استفاده از نام و مقام و پروانه‌های اشتغال حرفه‌ای اشخاص (پروانه و کالت، طبابت، داروسازی، پرستاری، گواهینامه پرواز هواپیما یا دریانوردی و ...) را جرم دانسته و با حبس تا حد ۵ سال حبس قابل مجازات است.

ماده ۲۹۰ قانون جزای کانادا، تعدد همسران را جرم دانسته و قابلیت مجازات تا ۵ سال دارد؛ هرچند مرتکب، کانادایی ولی در خارج از کانادا ساکن باشد.

ماده ۲۹۴ اشخاصی را که اجازه و پروانه اجرای عقد قانونی ازدواج را ندارند تا ۲ سال قابل مجازات می‌داند.

شبهه سازی اسناد عادی با نیت اصرار و یا سوء استفاده و جعل یا استفاده از سند مجعول نیز مطابق ماده ۳۶۶ نیز تا ۱۰ سال حبس قابلیت مجازات به علاوه جبران خسارات دارد.

ماده ۳۴۷ نیز بهره و ربای بیش از حد قانونی و یا عرف رایج در جامعه را مانور متقلبانه و جرم و محمول بر علیه حقوق شهروندی دانسته و مرتکب اخذ آن را مشمول ۲۵ هزار دلار جزای نقدی و تا ۲ سال حبس و یا حبس تا ۵ سال می‌داند (Privacy Act, 1990).

- نمونه قانون و مجازات در قانون تجارت الکترونیک (مواد ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۷۱، ۷۲، ۷۳ قانون جرائم رایانه‌ای) مواد ۱۸۳ الی ۱۹۶ به ویژه ۱۸۴ قانون جزای کانادا و به شرح ردیف ۷ بالا با حداکثر ۵ سال حبس قابلیت مجازات دارد.

سایر نکات: در فصل چهاردهم و از ماده ۴۶۸ الی آخر قانون جزای کانادا، آئین دادرسی کیفری و بخش‌های مختلف اعم از صلاحیت، نحوه رسیدگی، ادله و جمع آوری آن، صلاحیت ضابطين، احضار و تفهیم اّتهام و اخذ تأمین، رسیدگی به ادله و اظهارات شهود و قرائن و امارات، احاله، نیابت و رسیدگی در مناطق دیگر، محاکمات اختصاری، روش‌های صدور تشخیص/قرار مجرمیت، الزامات تشکیل جلسات دادرسی، رسیدگی در حضور هیأت منصفه، اصول دادرسی الی صدور محکومیت، تجدیدنظر خواهی، وصف روش‌های استثنایی و مرور رسیدگی‌ها با نیت حفظ سلامت روال قانونی دادرسی، محکومیت و اجرای حکم، و حتی فرم‌ها و متونی که در مراحل مختلف می‌بایست استفاده شود (در پیوست‌های بخش ۲۸ الی آخر آن قانون) به تفصیل مقرر شده است و لذا آئین دادرسی در قانون جزای کانادا ادغام شده و قانون مجزاً برای آئین دادرسی کیفری مقرر نیست (Jones v. Tsige, 2012: 32).

۳- نحوه جبران ضرر توسط داور

داور در راستای انجام وظیفه داوری ممکن است دارای مسئولیت کیفری، انتظامی یا مدنی باشد که ذیلاً بیان می‌شود.

۳-۱- مسئولیت کیفری

در حقوق ایران، حتی دادرسان ممکن است به سبب جرایمی که به مناسبت انجام وظیفه مرتکب شده‌اند تحت پیگرد کیفری قرار گیرند، البته چون داور از اختیارات دادرس برخوردار نمی‌باشد در معرض ارتکاب جرایمی که اختصاص به دادرس دارد قرار نمی‌گیرد؛ در عین حال، داور نیز اعم از این که توسط دادگاه یا طرفین معین شده باشد در صورتی که در مقابل گرفتن وجه یا مال، به نفع یکی از طرفین تصمیم‌گیری نماید به موجب ماده ۵۸۸ ق.م.ا به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آن چه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط می‌شود (شمس، ۱۳۹۸: ۵۵۲-۵۵۵).

۳-۲- مسئولیت انتظامی

داور، مسئولیت انتظامی به معنای دقیق واژه ندارد؛ در عین حال، نوعی مسئولیت شبه انتظامی برای داور در ماده ۴۷۳ ق.آ.د.م پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده، در صورتی که داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن، در جلسه‌های داوری حاضر نشده یا استعفاء دهد و یا از دادن رأی خودداری کند تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود. با توجه به بند ۲ ماده ۴۶۶ ق.آ.د.م. محرومیت داور از داوری در این خصوص، مستلزم رسیدگی دادگاه و صدور حکم قطعی می‌باشد.

۳-۳- مسئولیت مدنی

«در حقوق ایران به صراحت اصل ۱۷۱ ق.ا. حتی قضات از مسئولیت مدنی مبرا نیستند. داوران نیز چون هیچ نصی مبنی بر مصونیت آنان وجود ندارد. بر اساس قاعده عام مقرر در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی

احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال ... موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خود می باشد» در عین حال از یک سو، به موجب ماده ۵۰۱ ق.آ.د.م. چنان چه در اثر تدلیس تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران، ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوا گردد داوران برابر موازین قانونی، مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود (شمس، ۱۳۹۸: ۵۵۵).

همانگونه که دیده می شود نصّ مزبور حکمی بیش از آن چه در ماده قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته، افاده نمی نماید؛ در عین حال باید توجه داشت که نصّ (ماده ۵۰۱ ق.آ.د.م.) در مصوبه مجلس، به شکلی به شورای نگهبان ارسال گردید؛ علاوه بر این که داوران را در خسارات ناشی از «قصور» نیز مسئول اعلام نمود و آنان را مسئول ضرر معنوی نیز قرار داده است، اما شورای نگهبان در مقام تطبیق مصوبه مجلس با شرع و قانون اساسی اعلام نمود که «ذکر کلمه قصور و حکم بر مسئولیت جبران خسارت وارده در صورت قصور مغایر موازین شرع است»؛ علاوه بر این اعلام کرد که عبارت ضرر معنوی که ابهام مطالبه وجه در قبال آن وجود دارد، خلاف موازین شرع است در اجرای نظر شورای نگهبان (ماده ۵۰۱ ق.آ.د.م به شکلی که دیده شد تغییر یافت. بنابراین در حال حاضر، «قصور» داور نمی تواند موجب مسئولیت او شود. افزون بر آن حتی اگر ایراد ضرر معنوی از سوی داور قابل تصور باشد نمی توان داور را به سبب ورود ضرر معنوی به طرفین با یکی از آنها مسئول دانست. از سوی دیگر، هر یک از اعمال داور که در ماده ۲۷۳ قانون مزبور تصریح گردیده، چنان چه سبب ورود خسارت شود موجب مسئولیت مدنی داور نیز می گردد (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

نتیجه گیری

از مجموع مطالب مطرح شده در این تحقیق می توان چنین جمع بندی کرد که در کشور کانادا برای جبران مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی اشخاص، مقررّه ای وجود دارد که وی می تواند به صورت مجزاً و بدون نیاز یا مراجعه به دادستان و درخواست تعقیب کیفری ستم دیده، و بدون طیّ روال دادخواهی کیفری، از طریق

دادگاه‌های صالحه حقوقی اقدام به تعقیب، اثبات وقوع و ورود خسارات و مطالبه آن نماید و اصولاً نیازی به دخالت دادستان و اثبات دخالت دادستان به نفع نظم جامعه نیست. نحوه اثبات دلیل و مدلول نیز در دادگاه‌های حقوقی کانادا عمدتاً متکی بر عرف و سوابق اجتماعی در موارد مشابه و اتخاذ تصمیم محکومیت براساس اثبات ارتباط مستقیم ستم وارده و خسارات به مظلوم است. در مقایسه، نظام قضایی موجود در ایران فقط با تجویز جرم انگاری راهکاری برای ستم‌دیده پیش بینی شده است که با منع یا موقوفی یا تعلیق تعقیب (که از اختیارات دادستان است) عملاً زیان‌دیده از تعقیب خصوصی زیان وارده منع می‌گردد؛ چراکه رسیدگی دادگاه یا مرجع قضایی ایرانی در حول محور اثبات و وجود قرارداد است، و نه متکی بر عرف و رویه‌های جاری در جامعه که گفته شد. در زمینه مسئولیت مدنی و تعقیب حقوقی آن، زمینه قوانین موجود نیازمند توسعه است که هم در محدود کردن جرم انگاری می‌تواند کمک شایسته داشته و هم در تبدیل خصومت‌ها به اختلافات می‌تواند مفید باشد. در رابطه با شیوه‌های جبران خسارت به گونه‌ای که با انواع ضررهای ناشی از نقض حریم خصوصی تناسب داشته باشد می‌توان قائل به دو نوع شیوه مادی و معنوی جبران خسارت بود. مهم‌ترین روش‌های معنوی جبران خسارت عبارتند از: الزام به تصحیح یا عذرخواهی در رسانه‌های همگانی، درج حکم محکومیت خواننده در جراید، جمع‌آوری اثر زیانبار و جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آن و پاسخگویی.

با وجود این که برخی از مصادیق نقض حریم خصوصی، مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است ولی این حمایت پراکنده نمی‌تواند پاسخگوی ضرورت‌های عملی در رابطه با این حق باشد و قانونگذار باید اقدام به تدوین قانون جامعی در این زمینه نموده و با تحولات حقوقی جدید همگام گردد. در رابطه با نقض حریم خصوصی در حقوق کانادا می‌توان گفت در حقوق کانادا، معضل نقض حقوق بشر، مسأله‌ای فراروی جوامع بشری است که تنها می‌توان به کاهش ابعاد و شدت آن امیدوار بود؛ وگرنه نابودی همیشگی آن آرزویی به نظر دست‌نیافتنی است. هر انسانی در حیات اجتماعی و در طول

زندگی خود ممکن است خساراتی را در نتیجه افعال ناقض حقوق بشر سایر شهروندان و نیز حاکمیت متقبل شود. چنین فردی که از او تحت عنوان «قربانی» یاد می‌شود بلافاصله در چنین وضعیتی مستحقّ بالفعل حقّ جبران خسارت مؤثر می‌شود. بزه، همواره امکان رخداد دارد اما آن چه وضعیّت قربانیان را متفاوت کرده و برخی را به قربانیان مضاعف بدل می‌سازد کیفیت بهره‌مندی از حقّ جبران خسارت و به عبارت عامّ تر، «حقّ دسترسی به عدالت» است. این نکته از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را بهترین معیار و محکّ سنجش عیار تعهد و باور دولت‌ها به رعایت و احترام نسبت به حقوق انسان‌ها دانست.

استفاده از کارشناسان مرتبط با مسائل اجتماعی و روانی در کمیسیون حقوق بشر به عنوان اولین نهاد رسیدگی‌کننده و بکارگیری متخصصان حقوق بشر در دیوان حقوق بشر جهت قضاوت در اینگونه پرونده‌ها، نظامی نسبتاً هماهنگ و متکامل را ایجاد کرده که بسیار فراتر از توصیه‌های حداقلی نهاد‌های بین‌المللی در مورد ایجاد آژانس‌های تخصصی حقوق بشر در کشورها تحت عنوان (نهادهای ملی به فعالیت مشغولند. در این زمینه، استقلال عمل این دو نهاد و ارتباط مستقیم آنها با عالی‌ترین مراجع قدرت سیاسی بر اعتبار و اثرگذاری آنها افزوده است. در این میان، صلاحیّت‌های ویژه این مراجع تخصصی حقوق بشر در کانادا نیز قابل توجه است. به هر حال، نقض حقوق مدنی - سیاسی از سوی دولت در این کشور تقریباً امری کمیاب است، اما آن چه شاید بیشترین زمینه نقض را با توجه به جامعه متکثر و مهاجر پذیر این کشور فراهم کرده است مسائل مربوط به تبعیض و حقوق کار و اشتغال است. صلاحیّت‌های ویژه‌ای که به این مراجع تخصصی حقوق بشر در کانادا خصوصاً در این موارد اعطاء شده است نشانگر حساسیت و توجه نظام حقوقی این کشور بر زمینه‌های بروز نقض حقوق بشر و تلاش برای پاسداری از حقوق شهروندان در این موارد است.

منابع

- آماده، مهدی (۱۳۹۲)، **حمایت از حریم خصوصی**، تهران: دادگستر.
- احمد ادريس، عوض (۱۳۷۲)، **دیه**، ترجمه: علیرضا فیض، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۱)، **حقوق مدنی**، ج ۲، چ ۷، تهران: اسلامیه.
- انصاری، باقر؛ شیخ الاسلامی کندلوسی، جهانسوز (۱۳۸۱)، **مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی**، تهران: معاونت پژوهشی و تنقیح قوانین و مقررات.
- بخشایشی بایقوت، محرم؛ حیدری منور، حسین (۱۳۹۶)، **حریم خصوصی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی**، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۲۹، ۲۰۷-۲۳۲.
- پرستش، رضا؛ موسی زاده، سید شهاب‌الدین (۱۳۹۴)، **حریم خصوصی مقامات عمومی**، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، ۱۱، ۵۵-۸۳.
- پروین، فرهاد (۱۳۸۰)، **خسارات معنوی در حقوق ایران**، تهران: ققنوس.
- تقوی فرد، محمد؛ تقوا، محمدرضا؛ فقیهی، مهدی؛ جمشیدی، محمدجواد (۱۳۹۶)، **مقایسه تطبیقی قوانین حمایت از حریم خصوصی اطلاعاتی در ایران و کشورهای منتخب**، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۸۹، ۳۰۱-۳۳۳.
- جعفرزاده، یوسف؛ امین کلیر، نصراله (۱۳۹۹)، **دخالت دولت در حریم خصوصی افراد در حقوق شهروندی**، مطالعات حقوق شهروندی، ۱۷، ۲۱۱-۲۲۴.
- جعفری، علی؛ رهبریور، محمدرضا (۱۳۹۶)، **مسئولیت مدنی نقض حریم خصوصی داده‌ها در فقه امامیه و حقوق موضوعه**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۸، ۴۳-۷۴.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۸ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۹۸۸م)، **القواعد الفقهیه**، ج ۲، بیروت: دارالعلوم.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، **العناوین الفقهیه**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶)، **مسئولیت مدنی در فقه امامیه**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح‌الله (۱۴۱۵ق)، **کتاب البیع**، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
- رفیعی، علی (۱۳۹۲)، **کلیات دآوری در حقوق ایران**، تهران: فکرسازان.
- ریاحی، نیوشا (۲۰۱۹م)، **حقوق قانونی در منشور حقوق و آزادی کانادا**، جرنال هفته.

- زمخشری، محمد بن عمر (۱۳۶۴ق)، **الفائق فی غریب الحدیث**، ج ۳، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۶۵)، **نهاد دادرسی در اسلام**، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سلطانی نژاد، هدایت الله (۱۳۹۴)، **بررسی تطبیقی خسارت معنوی**، تهران: میزان دانش.
- سلیمی، علی (۱۴۰۰)، **بررسی حفظ حق و رعایت خصوصی همه افراد در دستگاه های اجرایی**، مجله حقوق و فقه، ۱۴، ۵۲۹-۵۶۴.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۸)، **آئین دادرسی مدنی** (دوره پیشرفته)، ج ۳، چ ۱۰، تهران: درآک.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، **حقوق مدنی (آثار قراردادها و تعهدات)**، تهران: مجد.
- صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹)، **مسئولیت مدنی**، تهران: سمت.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۴)، **عرف عقلاء برهان و عرفان**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۸)، **الزامها و مسؤولیت مدنی بدون قرارداد**، چ ۸، تهران: میزان.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الأطهار**، ج ۱، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرادی، روح الله؛ بادینی، حسن؛ کریمی، عباس؛ افشارنیا، طیب (۱۴۰۰)، **قابلیت جبران ضرر اقتصادی ناشی از نقض تعهد قراردادی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق قراردادهای تجاری بین المللی، فقه و حقوق ایران**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۴، ۴۱۱-۴۳۸.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی**، ج ۱، چ ۲؛ تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، **القواعد الفقهیه**، ج ۱، قم: مدرسه الامام امیرالمومنین (ع).
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۰ق)، **القواعد الفقهیه**، ج ۱، چ ۲، قم: اسماعیلیان.
- نائینی، میرزا محمدحسین (۱۳۷۳ق)، **منیه الطالب فی شرح المکاسب**، ج ۲، بی جا: المکتبه المحمدیه.
- نقیعی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶)، **خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر**، چ ۲، تهران: امیرکبیر.

- Ahluwalia v Ahluwalia, 2022 ONSC 1303.
- Allen, Bill Van (2009). Police powers: law, order and accountability Toronto: Pearson Prentice Hall.
- Deloitte & Touche v Livent Inc. 2017 SCC 63.
- Dyer v Bruce (1966) 58 DLR (2d) 211.
- Goff, Colin (2011). Criminal justice in Canada (5th ed.), Toronto: Nelson Education.

- Jones v. Tsige, 108 O.R. (3d) 241, 2012 Ontario Court of Appeals 32.
- Privacy Act, RSNL 1990 CHAPTER P-22, www.assembly.nl.ca.
- Rock, Nora; Hoag, Valerie (2011). Foundations of criminal and civil law in Canada (3rd ed.), Toronto: Emond Montgomery Publications.
- Yim v Bettel (1978), 20 O.R. (2d) 617.

